

کارنامه ۱۳۹۷

کارنامه

۱۳۹۷

محسن کدیور

۲۷ اسفند ۱۳۹۷

یک سال دیگر گذشت. پنجاه و نهمین بهار زندگی در راه است و چند ماه دیگر شش دهه از خدا عمر گرفته ام. این یازدهمین بهار در «غربت غربیه» است. یادداشت کارنامه ۱۳۹۷ چهار قسمت به شرح زیر دارد: ایران ۹۷ در یک نگاه، کارنامه فردی ۹۷، مجموعه مقالات ناتمام، و از شبکه های اجتماعی کدیور چه انتظاراتی نداشته باشیم؟! از ارزیابی، انتقادات و پیشنهادات استقبال می کنم.

اول. ایران ۹۷ در یک نگاه



سالی که گذشت از سالهای دشوار ایران، منطقه و جهان بود. هموطنان تحت سخت ترین تحریمهای آمریکای ترامپ روزهای سختی را گذراندند. خاورمیانه شاهد تلخ ترین روزهای پیش روی سیاستهای اسرائیل در کاخهای عربی بود و جهان با چرخشی به راست ترکتازی های رئیس جمهوری را که در کشور خودش هم با انتقادات عمیقی مواجه است با نگرانی نظاره کرد.

ایران در سالی که گذشت شاهد افشای بزرگترین اختلاسها و فسادهای مالی در تاریخ خود بود و معلوم شد تورم و گرانی بیش از تحریمهای خارجی زیرسوء مدیریت، رانت‌خواری و فساد نهادینه داخلی است. قوه قضائیه همچنان به آهنگ قدرت سیاسی خوش رقصی کرد. بعید است تغییر قاضی القضاة در ماه آخر سال سرسوزنی در سیاست‌های قضائی قانون ستیز و عدالت‌گریز جمهوری اسلامی تأثیری داشته باشد. هر نفس کشی کارش به زندان کشید، و برخی زندانیان شاخص از قبیل کاووس سیدامامی را در زندان خودکشی کردند! با سید امامی در اوایل سالهای تدریس در دانشگاه امام صادق (۱۳۷۶-۱۳۷۰) همکار بودم و در یکی دو پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی یا او استاد راهنما بود و من استاد مشاور یا برعکس.

سالی که گذشت میرحسین موسوی، مهدی کروبی و زهرا رهنورد نهمین سال حصر خانگی غیرقانونی خود را آغاز کردند. نرگس محمدی با تن رنجور از بیماری و سالها دوری از دو فرزند خردسالش همچنان در زندان اوین بود. نسرین ستوده وکیل شجاع نخستین سال زندان دو رقمی‌اش را آغاز کرد. وکلای دادگستری متعددی از جمله قاسم شعله سعدی، معلمان، کارگران، و دانشجویان فراوانی به جرم اعتراض مسالمت‌آمیز یا اعتصاب صنفی به زندان افتادند و برخی مانند اسماعیل بخشی شکنجه شدند. بانوان متعددی به جرم اعتراض به حجاب اجباری طعم زندان چشیدند. در سالی که گذشت فعالیت محیط زیستی، درویشی و دو تابعیتی بودن هم به جرائم امنیتی جمهوری اسلامی افزوده شد! و ابوالفضل قدیانی به جرم انتقاد از مقام رهبری به سه سال زندان و رونویسی از سه کتاب از جمله کتب بیت رهبری محکوم شد!

بحران آب در سالی که گذشت به صدر بحران‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ایران صعود کرد. دو نفر از اساتید آموزش در ضمن خدمت مقام رهبری محمود هاشمی شاهرودی (رئیس مجمع

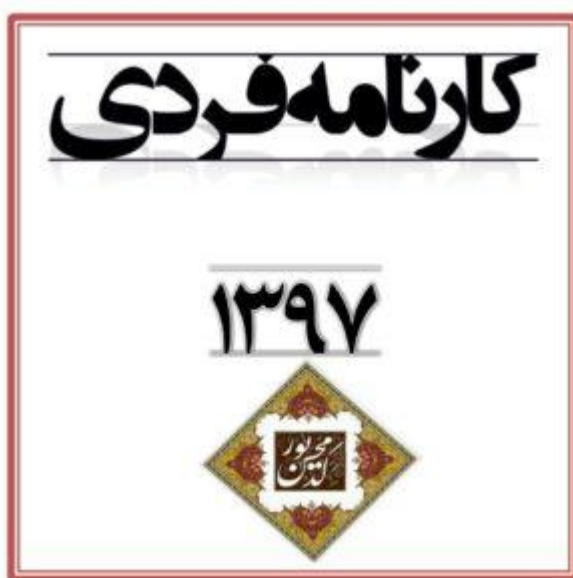
تشخیص مصلحت نظام) و محمد مؤمن قمی (عمود خیمه فقه‌های شورای نگهبان) از دنیا رفتند. از میان چهره‌های مردمی و فرهنگی این افراد دارفانی را وداع کردند: داریوش شایگان، عباس امیرانتظام، علی اصغر حاج سیدجوادی، احسان یارشاطر، محمد دبیرسیاقتی، محمدمبین قانعی راد، عزت الله انتظامی، پوران شریعت رضوی، و پروین بختیارنژاد.

جمهوری اسلامی کمافی السابق از مواضع ضدآمریکایی و ضداسرائیلی خود در توجیه ناکارآمدی و سوء مدیریت نهادینه در عرصه اقتصاد، فرهنگ، و سیاست خرج کرد. تخریب کلیه نهادهای نظارتی و تبدیل آنها به نهادهای دست نشانده یا کم رمق (مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان، مطبوعات، رادیو تلویزیون، کتاب و هنر) امید به امکان اصلاح را به شدت تقلیل داد. سیطره سپاه بر کلیه بخشهای کشور (از نظامی، امنیتی، سیاست داخلی، سیاست خارجی، اقتصاد، فرهنگ، هنر و رسانه، مجلس شورا و مجلس خبرگان) آن را به اختاپوسی تبدیل کرده که هیچ تصمیمی در هیچ عرصه‌ای بدون موافقت سپاه امکان عملی شدن نداشت، حتی جانشینی رهبری!

برای نخستین بار اصلاح ناپذیری نظام جمهوری اسلامی به مسئله‌ای جدی در فضای سیاسی ایران تبدیل شد. واضح است که هر تغییری در ایران باید درون‌زا باشد و تغییر متکی به اراده و سرمایه خارجی از چاله به چاه افتادن است. ابراز نارضایتی عمومی در سالی که گذشت آشکارتر شد. بهمن ۹۷ انقلاب ۵۷ چهل ساله شد. درباره ارزیابی این چهل سال اگر منصفانه نظر کنیم انقلاب در لغو وابستگی ایران به آمریکا، اروپا و اسرائیل، در ارتقای زندگی طبقات کم درآمد و رشد برخی شاخصهای اجتماعی و فرهنگی موفقیت‌هایی داشته، اما در مورد آزادی، عدالت و حکومت قانون متاسفانه انقلاب و نظام برآمده بر آن از کارنامه قابل دفاعی برخوردار نیست.

استبداد دینی و اسلام اجباری از منفی ترین شاخصهای بعد از انقلاب است و کشور همچنان با اراده شخص اول، مقام مادام العمر با قدرت مطلقه اداره می شود. نظام پس از انقلاب اقتدارگرایی انتخاباتی (شبه دموکراسی یا دموکراسی نمایشی) است. عدم جدایی نهاد دین از دولت؛ ولایت مطلقه فقیه؛ تبعیض دینی، مذهبی، جنسی و فقهی؛ قانون پنداری شریعت؛ فقدان حکومت قانون؛ تقدم موازین مذهبی قشری بر منافع ملی و کارشناسی علمی؛ واستبداد هفت معضل بالفعل نظام پس از انقلاب است.

دوم. کارنامه فردی ۹۷



به لحاظ فردی سال ۱۳۹۷ سال تصمیمهای نسبتاً مهمی برایم بود که به آن اشاره خواهم کرد. بیش از هشتاد درصد وقت مفیدم همچون گذشته به تدریس در گروه مطالعات دینی دانشگاه دوک گذشت، هر نیمسال تحصیلی دو درس و سالی چهار درس (دوره کارشناسی و تحصیلات تکمیلی). در نیمسال اول

تحصیلی فلسفه و کلام اسلامی (کارشناسی) و اسلام و مدرنیته (تحصیلات تکمیلی)، نیمسال دوم: اخلاق و حقوق اسلامی (کارشناسی) و فلسفه و عرفان اسلامی: مواجهه تصوف با حکمت (تحصیلات تکمیلی).

در حوزه پژوهش در کل کارهای پژوهشی شخصی ام سهم زبان انگلیسی حدود یک پنجم بود. این سهم به امید خدا اگر عمری باشد در سال بعد بسیار بیشتر خواهد شد. ترجمه انگلیسی دو کتابم در سالی که گذشت توسط دو مترجم مختلف به اتمام رسید و به مرحله قرارداد با دو ناشر دانشگاهی در انگستان (AKU & Edinburgh University Press) رسید. ترجمه کتاب حق الناس توسط نویسنده به طور کامل ویرایش شد. ترجمه کتاب مجازات ارتداد و آزادی مذهب به پایان رسیده و به زودی توسط نویسنده ویرایش خواهد شد. مطابق برنامه این دو کتاب در سال ۹۸ روانه چاپخانه خواهد شد. نخستین کتاب تالیفی ام به زبان انگلیسی با انتشارات دانشگاه کارولینای شمالی (Press UNC) در آمریکا به مرحله قرارداد رسید و نگارش آن آغاز شده است.

دو مقاله یکی درباره آقا علی مدرس طهرانی، و دیگری اسلام و دموکراسی از دو منظر اسلام سنتی و نواندیشانه در سالی که گذشت منتشر شد (به وبسایت انگلیسی نویسنده مراجعه کنید) و دو مقاله دیگر در آستانه انتشار است: کرامت انسانی، و به سوی حذف کامل مجازات ارتداد در اسلام. در سالی که گذشت داور دو ناشر تخصصی و شش مجله آکادمیک بین المللی بودم. در این سال در شش کنفرانس یا کارگاه پژوهشی در دانشگاه هاروارد (مارچ ۲۰۱۸)، دانشگاه لندن (سواًس) (جولای ۲۰۱۸)، دانشگاه هلستینکی (دو نشست، نوامبر ۲۰۱۸)، و دانشگاه ییل (فوریه ۲۰۱۹) سخنرانی کردم. پنج مورد نخست در حوزه حقوق و اخلاق اسلامی و مورد اخیر در حوزه اندیشه سیاسی به مناسبت چهلمین سالگرد انقلاب ۵۷ بود.

اما در حوزه زبان فارسی که از هر حیث شخصی است و هیچ ارتباطی با دانشگاه و هیچ موسسه دیگری ندارد، در سال ۱۳۹۷ ده مقاله به شرح زیر منتشر کردم:

- [جفای جمهوری اسلامی به احمد مفتی زاده](#) (اردیبهشت ۱۳۹۷، ویرایش سوم)
- [تیشه به ریشه دادگستری](#): تحلیل انتقادی منظر قضائی بنیانگذار: مطالعه موردی عملکرد بهمن ۱۳۵۷ تا آذر ۱۳۵۸ (خرداد ۱۳۹۷)
- [عصرانه با طعم قانون](#): آنان که گفتند آری، آن که گفت نه؛ مصطفی رحیمی و منتقدانش در نامه به آقای خمینی: «چرا با جمهوری اسلامی مخالفم؟» (مرداد ۱۳۹۷)
- [اصلاحات ساختاری و نظام اصلاح ناپذیر](#) (مرداد ۱۳۹۷)
- [نواندیشی دینی و خردورزی‌های شخصی](#) (شهریور ۱۳۹۷)
- [تازه های آقا علی پژوهی](#): از مجموعه مصنفات تا مجموعه آثار آقا علی مدرس (آذر ۱۳۹۷)
- [تهمت در حکومت اسلامی](#): ریشه یابی احکام مهدورالعرض در فقه و روایات شیعه، (بهمن ۱۳۹۷)
- [تهمت در حکومت اسلامی چاپ نجف](#) (بهمن ۱۳۹۷)
- [تهمت و پدیده موسی موسوی](#) (اسفند ۱۳۹۷)
- [نخستین مجری فتوای تهمت: مورخ رسمی تاریخ انقلاب](#) (اسفند ۱۳۹۷)

در سال ۱۳۹۷ هجده یادداشت از این قلم منتشر شده است، از جمله «[سندی بر اصلاح ناپذیری نظام واقعا موجود](#)»، و «[تمسخر قانون گذاری](#)». در سال گذشته سه سخنرانی عمومی و نه درس عمومی (مباحث [نواندیشی دینی](#)) داشته ام که از این ۱۲ مورد نیمی از آن همراه با درس گفتار یا متن کتبی آنها منتشر شده و شش مورد دیگر به تدریج منتشر خواهد شد. مهمترین سخنرانی انجام شده «[عاشورا از سه منظر](#)» بود. پانزده مصاحبه از اینجانب در این سال پخش شده است. در نیمه اول سال گذشته ده بیانیه جمعی

امضا کرده ام از جمله دو اعلامیه بین المللی «اعلام انزجار از انتقال سفارت آمریکا به بیت المقدس و جنایات دولت اسرائیل»، و «عکس العمل در برابر مداخله آمریکا در ایران».

ثقل اصلی کار در سال ۹۷ بر مقاله بوده است و دیگر موارد (یادداشت، سخنرانی، مصاحبه و بیانیه) در حاشیه بوده است. این روند با برنامه کاهش موارد دیگر (خصوصا مصاحبه، بیانیه و سخنرانی) ادامه خواهد داشت، انشاءالله.

سوم. مجموعه مقالات ناتمام

کارهای

ناتمام

در سال ۱۳۹۷ کتابی از این قلم منتشر نشد. لازم می دانم فهرست کارهای ناتمام (مجموعه مقالاتی حول موضوع واحد که منتظر کتاب شدن هستند) را به ترتیب میزان قسمتهای منتشر شده در اینجا بیاورم:

- ۱- استیضاح خبرگان و رهبران دینی جمهوری اسلامی: ۱۳۷۰-۱۳۶۲، (۱۳۹۶-۱۳۹۳) ۱۹ قسمت.
«نیم پرده تلخ» قسمت بیستم این مجموعه خواهد بود.
- ۲- فقه‌های منکر ولایت فقیه: شامل هفت مرجع تقلید: محمد کاظم آخوند خراسانی، عبدالکریم حائری یزدی، محمد حسین غروی اصفهانی (کمپانی)، محسن طباطبائی حکیم، احمد خوانساری، ابوالقاسم خوئی، و محمد علی اراکی؛ و شش عالم دینی: محمد حسین طباطبائی، رضا زنجانی، ابوالفضل موسوی مجتهد زنجانی، رضا صدر، مهدی حائری یزدی، و محمد مهدی شمس الدین (۱۳۹۶-۱۳۹۴) ۱۳ قسمت. آراء موسوی صدر قسمت چهاردهم این مجموعه خواهد بود.
- ۳- برخی دگراندیشان معاصر: حسن لاهوتی اشکوری، علی اکبر سعیدی سیرجانی، مهدی بازرگان، مرتضی پسندیده، داریوش فروهر و پروانه اسکندری، یدالله سبحانی، مصطفی رحیمی، علی گلزاده غفوری، عزت الله سبحانی، احمد قابل، احمد صدر حاج سید جوادی، و جلال الدین طاهری اصفهانی (۱۳۹۶-۱۳۹۵) ۱۲ قسمت.
- ۴- تاملی در مسئله حجاب، (۱۳۹۱) ۵ قسمت. از این مجموعه پرتعداد سه سخنرانی در همان ایام انجام شده که همراه با درس‌گفتارهای آن در نوبت انتشار است.
- ۵- سیر تحول اندیشه سیاسی استاد منتظری، (۱۳۹۰، ویرایش دوم: ۱۳۹۶) ۴ قسمت. قسمت بعدی رأی میانی استاد در کتاب *دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة* است.
- ۶- لایحه قصاص و حکم ارتداد جبهه ملی (۱۳۹۶) ۴ قسمت. در قسمت‌های باقیمانده نظر آقای خمینی درباره محمد مصدق و حکم ارتداد جبهه ملی تحلیل انتقادی می‌شود.

- ۷- [چرا دکتر سامی را ترور کردند؟](#) (۱۳۹۵) ۴ قسمت. نیمه دوم این تحقیق که هنوز منتشر نشده حاوی مدارک مهمی است که به احتمال قوی در ترور او تأثیر جدی داشته است.
- ۸- [تهمت در حکومت اسلامی](#) (۱۳۹۷) ۴ قسمت. نیمه دوم این تحقیق در دست انتشار به تهمت در حکومت اسلامی چاپهای نجف و تهران، تهمت در دیگر آثار آقای خمینی، تهمت در حدیث و فقه امامیه و بالاخره مقتضای اجتهاد در مبانی و اصول درباره تهمت و بهتان به دگراندیشان و دگرباشان می پردازد.
- ۹- [نقد آراء محمد مومن قمی فقیه شورای نگهبان](#) (۱۳۹۳) ۳ قسمت. قسمت بعدی نقد آراء شناسنامه فقهی نظام جمهوری اسلامی در کتاب «الحکومه الالهیه الاسلامیه او الحکومه الاسلامیه فی زمن حضور المعصوم وزمن الغیبه» اختصاص دارد.
- ۱۰- [تاملاتی درباره نواندیشی دینی در ایران معاصر](#) (۱۳۹۴ و ۱۳۹۶) ۳ قسمت. قسمتهای بعدی نقد نظریه قرائت نبوی از جهان و بخش دوم نقد نظریه رؤیاپنداری وحی است.
- ۱۱- [میراث بنیانگذار: رویه بکه سالاری فراقانونی](#) (۱۳۹۴ و ۱۳۹۷) ۲ قسمت. قسمت بعدی تحلیل انتقادی «تصمیمات سه ماه آخر» است.
- ۱۲- [جفای جمهوری اسلامی به احمد مفتی زاده](#) (۱۳۹۶-۱۳۹۷) ویرایش سوم. کار باقیمانده انتشار ویرایش چهارم همراه با اضافات فراوان است که حجم این تحقیق را به دو برابر افزایش می دهد.
- تحقیقات اولیه و فیش برداری هر دوازده مجموعه (هفتاد و دو مقاله بلند در حال حاضر) به پایان رسیده است. اما انتشار قسمتهای باقیمانده هر یک چند ماهی کار لازم دارد تا در قالب کتاب منتشر شود، مجموعاً بین یک تا دو سال وقت آزاد و تمام وقت البته. این مجموعه مقالات حاصل تحقیقات هشت سال اخیر است. علت توقف موقت آنها صرفاً پیش آمدن موضوعات جدید و کمبود وقت نویسنده بوده نه هیچ

چیز دیگر. اتمام هر دوازده مجموعه مقالات بر ذمه نویسندگان است. من از تحقیق، تالیف و کشف حقیقت لذت می برم، اما دقت و عمق تحقیق را قربانی سرعت انتشار نمی کنم.

تالیف برایم مثل شعر گفتن است. تحقیق و تالیف حال خاص خود را می طلبد. نمی توان برایش زمان معینی قائل شد. هر وقت حالش بود و وقتش فراهم، نوشته می شود! اگرچه هر یک از این موضوعات برای جمعی از خوانندگان اهمیت و اولویت دارد، و مصرانه پیگیر انتشار قسمتهای باقیمانده تحقیق مورد نظرشان هستند، اما برای نویسندگان همه این موضوعات مهم و عزیزند. امیدوارم خداوند برکت و گشایشی در وقت به نویسندگان عنایت فرماید تا بتواند پاسخگوی مطالبات قابل احترام بندگان باشد.

چهارم. از شبکه های اجتماعی کدیور چه انتظاراتی نداشته باشیم!؟



در این قسمت به اختصار به چهار نکته مرتبط با حضور در شبکه های اجتماعی اشاره می کنم.

الف. اینجانب از سال ۱۳۸۸ در کشور ممنوع القلم مطلق بوده ام. یعنی نه تنها کتابهای جدید امکان انتشار ندارند، بلکه تجدید چاپ کتابهای قبلی من نیز ممنوع است. با آمدن حسن روحانی بر سر کار و ادعای اینکه نویسندگان ممنوع القلم نداریم کتابهای حکومت ولایی توسط نشر نی و حق الناس توسط انتشارات کویر تجدید چاپ شد. اما با توجه به انتشار الکترونیکی کتاب «[ابتدال مرجعیت شیعه](#): استیضاح مرجعیت مقام رهبری حجت الاسلام والمسلمین سید علی خامنه ای» در سال ۱۳۹۲ به دو کتاب چاپ شده مذکور «مجوز ترخیص از چاپخانه» داده نشد! و متأسفانه ناشران یادشده متضرر شدند.

هیچ مقاله یا مصاحبه‌ای ولو فلسفی محض به قلم من امکان انتشار در ایران ندارد. نمونه اول: مقاله فلسفی «[تازه های آقا علی پژوهی](#)» را کوشیدم در ایران منتشر کنم. هیچ نشری‌های مجاز به انتشارش نبود، برخی مدیران مسئول یا سردبیران اصلاً به درخواست نویسنده پاسخ ندادند! و یکی دو نفری که شجاعت پاسخ داشتند عذرخواستند. نمونه دوم: مقاله «[نقد نظریه رؤیابنداری وحی](#)» را دوستان داخل کشور درخواست کردند که در مجموعه ای منتشر کنند، به شرطی که من از اسم مستعار استفاده کنم! زیرا با اسم حقیقی من کل کتاب مجور انتشار نخواهد گرفت. نپذیرفتم. گفتم با وجود شبکه های مجازی انتشار با اسم مستعار را اهانت به خود می دانم. به سخنرانی اینجانب حتی در موضوعات کاملاً دینی و مذهبی از طریق اسکایپ در دانشگاههای کشور به درخواست انجمنهای اسلامی دانشجویان هرگز مجوز داده نشده است، حتی نشریات دانشجویی مجاز به درج هیچ مطلبی از من نیستند. وبسایت اینجانب از سال ۱۳۸۸ رسماً فیلتر شده است. فیس بوک، تلگرام، یوتیوب و توئیتر هم که کلاً در ایران فیلتر هستند. می ماند اینستاگرام ۴۰۰ صد کلمه ای!

ب. در چنین فضای فرح انگیز آزادی! شبکه های اجتماعی برای من مجرای تنفس و راز بقاست. اینکه اکثر کاربران شبکه های اجتماعی منتظر مطالب کوتاه، مرتبط با مسائل روز، ژورنالیستی یا مطالب صوتی و

تصویری باشند حق آنهاست و طبیعت این شبکه‌ها هم اقتضایی جز این ندارد: مختصر، ساده و سریع. اگر فضای کشور باز بود و آزادی‌های مصرح در قانون اساسی رعایت می‌شد، جای کارهای من کتاب و نشریات کاغذی بود نه شبکه‌های اجتماعی. متاسفم که انتظارات متعارف به حق کاربران شبکه‌های اجتماعی از مطالب اینجانب برآورده نمی‌شود.

از تولید شفاهی انبوه‌گریزان و متمایل به تولید پژوهشی کتبی سنجیده هستم. شیوه ارائه مطلب به سبک خطابه و منبر (ولو از نوع مدرنش!) را بر خود ممنوع کرده‌ام، اگرچه بازار بسیار گرمی هم دارد. اما کوشیده‌ام تابع سلیقه بازار نباشم. اگرچه هر مطلبی خلاصه حدوداً ۴۰۰ کلمه‌ای هم دارد اما متن مطالب اینجانب به تناسب موضوع و روش تحقیق طولانی است. اینگونه مقالات یا کتابها واقعا جایش تلگرام، اینستاگرام، فیس‌بوک و توئیتر نیست که برای منظور دیگری ایجاد شده‌اند.

اما چه باید کرد؟ من هیچ جای دیگری برای انتشار کارهایم ندارم. خوانندگانی که به دنبال مطالعه تحقیقاتی با روش تحلیل انتقادی و مطالعه تاریخی هستند قدمشان بر چشم. عزیزانی که حوصله تحقیق و مطالعه ندارند، و به دنبال یادداشتهای ژورنالیستی مرتبط با مسائل روز یا سخنان خطابی و جدلی هستند، شرمنده‌ام که اراده برآورده کردن انتظارات آنها را ندارم. از همه آنها عذر می‌خواهم.

پ. وقت اندکی دارم و ترجیح می‌دهم به تحقیق در اموری بپردازم که به نظرم اساس مشکلات جامعه ماست. به دنبال حل ریشه‌ای هستم و ارائه راه‌حلهای کوتاه مدت و مسکنهای تخیلی را نمی‌پسندم. اگر کسی شیوه مرا می‌پسندد از همراهی استقبال می‌کنم.

کدیور نه فعال سیاسی است، نه فعال مدنی و حقوق بشری؛ نه مبلغ دینی و مذهبی است، نه روشنفکر و نواندیش دینی فارغ‌البالی که همتش ایراد خطابه باشد. مشغله اصلی وی معلمی دانشگاه بوده و هست.

در وقت آزادش او خود را طلبه یا دانشجوی اهل تحقیق می داند که با کنجکاوی به دنبال حقیقت است و محصول تحقیقات خود را در اختیار علاقه مندان می گذارد.

اهل جنجال و هیاهو نیست. اهل گفتگو و نقد و نظر البته هست. اگر در تعریض یا انتقادی سویه غالب را غیرمعرفتی دید ترجیح می دهد وقتش را در جدال با مدعی تلف نکند. حوزه مورد علاقه اش نگاه اجتهادی، انتقادی، تاریخی و تطبیقی به کلام و فقه اسلام شیعی، فلسفه اسلامی و اندیشه سیاسی شیعه در سده اخیر است. برکات به کارگرفتن روشهای انتقادی، تاریخی، تطبیقی و اجتهاد در مبانی و اصول به تدریج بر اهل نظر مشخص خواهد شد.

ت. یکی دیگر از نتایج نامبارک ممنوع القلمی و ممنوع الانتشاری «سرقت علمی» است. مطالب منتشره در وبسایت و شبکه های اجتماعی البته خوانده می شود، به شهادت بازتابها و ایمیلهای واصله مورد عنایت هم واقع می شود. حیات علمی به ارجاع و نقد است. البته به نقد تعریضی به کارهای من سخاوتمندانه مجوز انتشار داده شده است. تماسهای متعددی داشته ام که اگر به کارهای اینجانب در کتاب، مقاله و رساله دانشگاهی ارجاع داده شود، معنایش محرومیت از انتشار و پذیرش است! در نتیجه نویسنده، محقق یا دانشجو سر دوراهی قرار می گیرد یا از خیر ارجاع می گذرد و مطلب برگرفته از آثار مرا بدون منبع ذکر می کند، یا اصلا می گوید خر ما از کرگی دم نداشت و عطای نقل آراء از این عنصر نامطلوب! را به لقایش می بخشد. غالبا راه اول پیش گرفته شده است. نمونه های متعددی از سرقت علمی موجود است که نمی دانم با این قبیله سارق چه کنم!

برخی که به موازین اخلاقی و شرعی پابند بوده اند تماس گرفته اند و حلال بودی طلبیده اند یا پرسیده اند چه کنند. اگر پاسخ مثبت دهم و آنها آراء مرا بدون منبع ذکر کنند، کارهای اینجانب هم که بیش از یک دهه است در داخل کشور ممنوع الانتشار است، فردا باید اثبات کنم آراء مذکور را از ناقلان بی

منبع به سرقت نبرده ام! پاسخ من منفی بوده و هست. نقل آراء خود را بدون ذکر منبع به لحاظ اخلاقی، شرعی و قانونی مجاز نمی دانم. و این یعنی اعدام تدریجی یک تفکر که البته دردناک است اما نظام مقدس چنین سرنوشتی برای منتقدانش رقم زده است. اگر کسی نمی پسندد قضا را تغییر دهد! اینکه دارم به سمت انتشار به انگلیسی متمایل می شوم از جمله برخاسته از مزیقه های فوق الذکر است.

فرصت کامنت خوانی و کامنت نویسی نداشته و ندارم. از کاربران محترم شبکه های مجازی از این بابت هم عذرخواهی می کنم. اگر کسی سخنی با اینجانب دارد از طریق ایمیل پاسخگو هستم. مرا از انتقادات و پیشنهادات خود مطلع فرمائید. امیدوارم سال جدید سال برکت، آگاهی، رهایی، آزادی و آزادگی برای همگان باشد.

۲۷ اسفند ۱۳۹۷



kadivar.mohsen59@gmail.com

<https://kadivar.com/16989>

تمام حقوق محفوظ است.

نقل مطلب به هر صورت تنها با ذکر منبع مجاز است.